



مدرسهٔ مهارت

گفت‌و‌گو با سید حسن و کیلی

معاون آموزشی و پرورشی مجتمع فرهنگی آموزشی پسرانهٔ معلم

گفت‌و‌گوکننده: لیلا صمدی



اشاره

مجتمع فرهنگی آموزشی پسرانهٔ معلم از ۱۷ شهریور سال ۱۳۶۹ تأسیس شده است. این مجتمع اکنون دانش‌آموزان پیش‌دبستان تا پایان پایهٔ دوازدهم را تحت پوشش قرار داده است. این مجتمع یک مرکز مهارت‌آموزی دارد که بیش از ده سال از شروع فعالیت آن می‌گذرد. نظر به اهمیت مهارت‌آموزشی، با آقای و کیلی گفت‌و‌گویی انجام شده است که در ادامه می‌خوانید:

■ برای آینده چه برنامه‌هایی را اجرا می‌کنید؟

ما اکنون در سه کارگاه و دو پایگاه (سایت) رایانه‌ای، رشته‌های متعدد مهارتی را آموزش می‌دهیم. متناسب با سن و توان بچه‌ها و جذابیت‌های سرفصل‌های مهارتی، سه بخش عمده «فعالیت‌های هنری، فعالیت‌های فنی و فعالیت‌های رایانه‌ای» را در نظر گرفتیم و سرفصل‌هایی آموزشی تدوین کردیم. در این مدت، حدود پنج نمایشگاه در داخل مجتمع برای نمایش دستاوردهای دانش‌آموزان برگزار کردیم. یک نمایشگاه نیز در مصلاهی تهران، همراه با سایر مدرسه‌های غیردولتی، برگزار کردیم. جلسات کارگاهی هر پایه در دو نوبت در سال تحصیلی برگزار می‌شوند. در هر نوبت، دانش‌آموزان هر پایه دو ساعت در هفته در مرکز مهارت‌آموزی آموزش می‌بینند. بچه‌ها در هر پایهٔ تحصیلی در نوبت اول یکی از مهارت‌های پیشنهادی را انتخاب می‌کنند و در ۱۲ جلسه آموزش می‌بینند. در نوبت دوم مهارت دیگری را انتخاب و دنبال می‌کنند. در مجموع، بچه‌ها از پایه‌های اول تا یازدهم حداقل ۲۲ مهارت را متناسب با علاقه‌شان یاد می‌گیرند. از کاغذتا (اوربگامی) و نقاشی گرفته تا ساخت

■ چه نیاز یا ضرورتی احساس کردید که مرکز مهارت‌آموزی را برای دانش‌آموزان مدرسه راه‌اندازی کردید؟

آقای تهرانیان، معاون وقت مجتمع، در سال ۱۳۹۱، با توجه به تجربه و سابقهٔ مدیریتی‌اش در حوزهٔ آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، پیشنهاد راه‌اندازی مرکز مهارت‌آموزی را به مدیر مجتمع داد و قرار شد محیط فیزیکی مجزایی به مهارت‌آموزی بچه‌ها اختصاص یابد. از سال ۲۰۱۶ که انقلاب صنعتی چهارم آغاز شد، نیاز داریم سرفصل‌هایی از جمله اینترنت اشیا، اتومبیل‌های خودران، کلان‌داده‌ها، واقعیت افزوده، واقعیت مجازی، هوش مصنوعی، امنیت سایبری، رایانش ابری و زیست فناوری را که به‌عنوان بسترهای پیشرفت نقش‌آفرینی می‌کنند، به بچه‌ها آموزش بدهیم. انقلاب صنعتی چهارم در آموزش هم اثر گذاشته است. بنابراین، هم هدف‌های آموزشی و هم محتوا و روش آموزش باید تغییر کنند. بنابراین، در حوزهٔ کار و فناوری به تغییر و تحول نیاز داریم.

■ شما در مرکز مهارت‌آموزی برای تحول در حوزهٔ کار و فناوری و آماده‌شدن دانش‌آموزان

■ آیا برنامه‌های مرکز مهارت‌آموزی مورد استقبال خانواده‌ها قرار گرفته‌اند؟ والدین در اجرای موفقیت‌آمیز این برنامه‌ها چه نقشی دارند؟

□ خانواده‌هایی داشتیم که مقاومت می‌کردند. اما در اکثر اوقات، وقتی خانواده‌ها می‌بینند این مهارت‌ها چقدر کاربرد دارد، بسیار استقبال می‌کنند. انجمن‌ها نیز در طول سال درگیر برنامه‌های مرکز مهارت‌آموزی می‌شوند و خروجی این کار و توانمندی بچه‌ها را در نمایشگاه می‌بینند. در واحد مشاورهٔ مجتمع نیز هر ساله تعدادی کارگاه آموزشی برای والدین در نظر گرفته می‌شود. در این کارگاه‌ها والدین را توجیه می‌کنیم که چه مهارت‌هایی را آموزش می‌دهیم تا آن‌ها کار را در خانه ادامه دهند. برای مثال، وقتی مهارت کنترل خشم را به دانش‌آموز یاد می‌دهیم، در کارگاه آموزشی والدین نیز این مهارت به آن‌ها آموزش داده می‌شود که چگونه در موضوع کنترل خشم با بچه‌ها کار کنند.

■ از نظر شما برنامه‌های درسی تا چه میزان با رویکرد مهارت‌آموزی تدوین شده‌اند و چه پیشنهادهایی در این زمینه دارید؟

پویانمایی، الکترونیک، بنایی، کابینت‌سازی، کار با چوب، تدوین فیلم، تعمیر تلفن همراه و فتوشاپ. همهٔ بچه‌های مجتمع موظف هستند این دوره‌ها را بگذرانند. اما در کارگاه‌های بعدازظهر، بچه‌ها برحسب علاقه در دوره‌های مهارت‌آموزی مانند سفال‌گری شرکت می‌کنند. این دوره‌ها آزاد هستند و جزو برنامهٔ مصوب درسی نیستند. ما با تأسیس مرکز مهارت‌آموزی، بستر استعدادیابی بچه‌ها را فراهم کردیم. هدف این است که استعدادها را شناسایی کنیم و از قوه به فعل درآوریم. دانش‌آموزانی داریم که سال گذشته دورهٔ تدوین فیلم، فتوشاپ یا تعمیر تلفن همراه را در مرکز مهارت‌آموزی گذراندند و اکنون کار می‌کنند و درآمد دارند.

در کنار آموزش این مهارت‌های سخت که به مرکز مهارت مربوط است، برای هر پایه ۱۵ مهارت نرم از طریق کتاب شش‌جلدی «من و مهارت‌هام» که برای شش پایهٔ دورهٔ ابتدایی تألیف شده است، آموزش داده می‌شود. در این کتاب‌ها مهارت‌های بهداشت و سلامت، مهارت‌های شناختی و مهارت‌های اقتصادی آموزش داده می‌شوند. وقتی مهارت‌های نرم تقویت می‌شوند و رشد پیدا می‌کنند، در سایهٔ آن، مهارت‌های سخت هویت پیدا می‌کنند.



درس خود آموزش دهد و در کنار آن، بستر آموزش مهارت‌های سخت را هم فراهم کند. معلم می‌تواند با مدیر مدرسه صحبت کند تا مجوز بگیرد و با دعوت از افراد متخصص، مهارت‌های سخت را در مدرسه آموزش دهد. می‌توان زمان بعدازظهر یا پنج‌شنبه‌ها را در مدرسه احیا کرد تا بچه‌ها مهارت‌آموزی کنند. مدرسه چنین بودجه‌ای را ندارد، اما بستر فراهم است. کافی است ما برنامه‌ریزی و از مشارکت اولیا استفاده کنیم.

برای والدینی که امکان استفاده از ظرفیت‌های مدرسه‌های خاص را ندارند، یکی از روش‌های ساده و سنتی این است که تابستان بچه‌ها هدر نرود و با شاگردی کار یاد بگیرند. همچنین، بچه‌ها می‌توانند در کلاس‌های مجموعه‌هایی چون سازمان فنی‌وحرفه‌ای، فرهنگ‌سراها و پارک‌های فناوری آموزش ببینند. از فضای آموزش‌های مجازی هم می‌توان با صرف هزینه‌ای به‌نسبت مناسب، برای آموزش‌های مهارتی استفاده کرد.

■ آیا شما تجربه‌های مرکز مهارت‌آموزی را در اختیار آن دسته از خوانندگان مجله که علاقه‌مندند این تجربه را در مدرسه خود به کار گیرند، قرار خواهید داد؟

بله. با کمال میل. من به نمایندگی از طرف آقای امیری مقدم، مدیر مجتمع، اعلام می‌کنم هرکدام از مراکز آموزشی دولتی یا غیردولتی که بخواهند از امکانات یا آموزش‌ها و تجربه‌های ما استفاده کنند، ما با کمال میل در خدمتشان خواهیم بود. بنده در همین راستا در کتاب «مداد ما» همه شیوه‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های داخلی مجتمع را جمع‌آوری کردم که به چاپ هم رسیده است.

■ پیشنهاد شما به مدیران و همکاران فرهنگی چیست؟

همکاران عزیز فرهنگی که می‌خواهند در حوزه مهارت‌آموزی کار کنند، با هر شوک یا مشکلی که پیش می‌آید و اعتراضی که صورت می‌گیرد، عقب نشینند. این کار دردسرهای خود را دارد، اما ارزش بسیار بالایی نیز دارد. بچه‌های ما به‌خصوص در سال‌های اخیر، به دلیل کرونا و آموزش‌های مجازی، در بحث مهارتی بسیار عقب ماندند و فقیرند. ما برای به‌روزرسانی دانش‌آموزان، به راه‌اندازی یک نهضت نیاز داریم و همه باید کمک کنیم.



ما چند کتاب درسی خوب در مدرسه‌ها داریم که در سال‌های اخیر نوشته شده‌اند و می‌توانند برای آموزش مهارت به دانش‌آموزان کمک‌کننده باشند. اما این کتاب‌ها کافی نیستند. باید بستر کاری در مدرسه‌های کشور وجود داشته باشد تا بچه‌ها در آن بستر شروع به کار کردن کنند. ولی از آنجا که مدرسه‌ها این بستر و امکانات را ندارند، صبر می‌کنند تا بچه‌ها به پایه دهم برسند و در دبیرستان مهارت‌آموزی را شروع کنند. از طرف دیگر، خانواده‌هایی داریم که به دلایل فرهنگی فرزندان خود را به هنرستان نمی‌فرستند. آن‌ها معتقدند هنرستان محیط خوبی نیست و فرزندشان لزوماً باید مهندس یا پزشک شود. این طرز فکر باید تغییر پیدا کند.

■ آموزش‌های مهارت‌های فنی و حرفه‌ای تا چه میزان زمینه اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و تولید دانش‌بنیان را فراهم می‌کند؟

آموزش‌های ما به آن سطح نمی‌رسند و ادعای چنین کاری را نداریم، چرا که بچه‌های ما کوچک هستند. ما داریم استعدادیابی می‌کنیم. البته کارمان بی‌ارتباط با اقتصاد مقاومتی هم نیست. هدف اقتصاد مقاومتی این است که آنچه را می‌توانیم، خودمان انجام دهیم و احتیاجی به خارج از کشور نداشته باشیم. روح اقتصاد مقاومتی این است که از ظرفیت‌های داخلی استفاده کنیم. من وقتی کشف کردم دانش‌آموزی در حوزه نانو مستعد است و علاقه فراوان نیز دارد، باید او را به سمت رشته‌هایی هدایت کنم که نانو در آن قرار می‌گیرد. کسی می‌تواند در حوزه‌های دانش‌بنیان شروع به فعالیت کند که حداقل وارد دانشگاه بشود. بنیانش بر اساس دانش است و این دانش، دانش مدرسه‌ای نیست. کمک ما به بچه‌ها این است که آن‌ها را در مسیری هدایت کنیم که در اقتصاد مقاومتی تأثیر دارد.

■ معلمان چگونه می‌توانند در کلاس‌های درس خود به مهارت‌آموزی توجهی ویژه داشته باشند؟

معلم می‌تواند بیشتر مهارت‌های نرم مثل مهارت‌های اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و حل مسئله را در کلاس